

# مبادی و اصول اجتماعی - تعلیم و تربیت واجب و ضروری فرزندان

حضرت بهاء الله



(15) تعلیم و تربیت واجب و ضروری

## اهمیت تربیت اطفال

- قلم اعلیٰ کلّ را وصیّت میفرماید بتعلیم و تربیت اطفال (حضرت بهاء الله، اشراقات، اشراق هفتم)
- کتب علی کلّ أب تریة ابنه وبنته بالعلم وانلحظ ودونهما عمّا حدّد فی اللوح والذی ترک ما أمر به فلأمناء أن يأخذوا منه ما یكون لازماً لتربیتهما إن کان غنیاً وإلا یرجع إلى بیت العدل إنّا جعلناه مأوی الفقراء والمساکین □ إن الذی ربّی ابنه أو ابنا من الأبناء کأنّه ربّی أحد أبنائی علیہ بهائی وعنایتی ورحمتی الّتی سبقت العالمین □ (حضرت بهاء الله، کتاب اقدس، بند 48)
- علّموا ذریاتکم ما نزل من سمآء العظمة والاعتدار لیقرئوا ألواح الرّحمن بأحسن الألحان فی الغرف المبنیة فی مشارق الأذکار □ (حضرت بهاء الله، کتاب اقدس، بند 150)

## تفاوت اخلاق در نتیجه تفاوت تربیت است

- تفاوت اخلاق من حیث التّریة این بسیار عظیمست زیرا تربیت بسیار حکم دارد نادان از تربیت دانا شود جنان از تربیت شجاع گردد شاخه کج از تربیت راست شود میوه‌های کوهی جنگلی تلخ و گراز تربیت لذیذ و شیرین گردد گل پنج پر از تربیت صد پر شود امت متوحّشه از تربیت متمدّن گردد حتی حیوان از تربیت حرکت و روش انسان یابد این تربیت را باید بسیار مهمّ شمرد زیرا امراض همچنانکه در عالم اجسام بیکدیگر سرایت شدیده دارد بهمچنین اخلاق در ارواح و قلوب نهایت سرایت دارد این تفاوت تربیت بسیار عظیمست (حضرت عبدالبهاء، مفاوضات، نز)

تربیت بر سه نوع است: تربیت جسمانی، تربیت انسانی و تربیت روحانی



TABLET

- تربیت جسمانی بجهت نشو و نماى این جسم است و آن تسهیل معیشت و تحصیل اسباب راحت و رفاهیت است که حیوان با انسان در آن مشترکند. و اما تربیت انسانی عبارت از مدنیت است و ترقی یعنی سیاست و انتظام و سعادت و تجارت و صنعت و علوم و فنون و اکتشافات عظیمه و مشروعات جسیمه که مدار امتیاز انسان از حیوان است. و اما تربیت الهیه تربیت ملکوتیست و آن اکتسابات کالات الهیه است و تربیت حقیقی آنست زیرا در این مقام انسان مرکز سنوحات رحمانیه گردد و مظهر (لَنَعْمَلَنَّ إِنْسَانًا عَلَىٰ صُورَتِنَا) شود و آن نتیجه عالم انسانی است. حال مایک مربی میخواهیم که هم مربی جسمانی و هم مربی انسانی و هم مربی روحانی گردد که حکم او در جمیع مراتب نافذ باشد. و اگر کسی بگوید که من در کمال عقل و ادراک و محتاج بآن مربی نیستم او منکر بديهیات است مثل طفلی که بگوید من محتاج تربیت نیستم بعقل و فکر خود حرکت می نمایم و کالات وجود را تحصیل میکنم و مثل آنست که کوری گوید من محتاج بچشم نیستم چونکه بسیار کوران هستند که گذران میکنند. پس واضح و مشهود است که انسان محتاج به مربی است (حضرت عبدالبهاء، مفروضات، ج)

## دو رکن فلاح و نجاج عالم انسانی

- مدنیت بر دو قسم است مدنیت عالم طبیعت و مدنیت عالم حقیقت که تعلق بعالم اخلاق دارد و تا هر دو در هیئت اجتماعی جمع نشود فلاح و نجاج حاصل نشود. ملاحظه نمائید که در جهان اروپا مدنیت طبیعیه خیمه بر افراخته و لکن چقدر تاریک است. جمیع افکار متوجه منازعه در بقاست هر روز تجدید سلاح است و تزئید مواد التهاب آرام بکلی منقطع و نفوس در زیر بار گران ذلت و حیران زیرا مدنیت اخلاق و روحانیت و انجذاب بنفحات الله بکلی مفقود. باری همچنانکه در عالم طبیعت مربی لازم همچنین در عالم حقیقت یعنی عالم جان و وجدان و شیم و اخلاق و فضائل بی پایان و کالات حقیقی عالم انسانی و سعادت دو جهان معلّم و مربی واجب. مؤسس مدنیت طبیعی فلاسفه ارضند و معلّم مدنیت حقیقت مظاهر مقدسه الهیه اند. لهذا اگر عالم انسانی از مربی طبیعی و مربی حقیقی محروم ماند یقین است باسفل در کات عالم حیوانی مبتلا گردد. و مدنیت طبیعی مانند زجاج است و مدنیت الهی مانند سراج مدنیت جسمانی مانند جسم است و مدنیت الهی مانند روح این زجاج را سراج لازم و این جسد را روح واجب. رساله جالینوس حکیم را مطالعه نما که در ترقیات مدنیت عالم انسانی تألیف نموده. میگوید عقائد دینیّه اعظم و سائط عالم مدنیت و انسانیت است چنانکه در این زمان ملاحظه میکنیم گروهی را که مسیحیانند چون در عقائد دینیّه ثابت و مستقیمند عوام این فرقه فیلسوف حقیقی هستند زیرا باخلاق و اطواری مزینند که اعظم فیلسوف بعد از زحمت و سلوک و ریاضت سنین کثیره تحصیل مینمایند عوام این فرقه در نهایت کمال بفضائل متجلی هستند (حضرت عبدالبهاء، پیام ملکوت ص 159)